

[بررسی مثال أمر والدین به نماز در بحث نوافل واجب بالعرض 1](#_Toc103549189)

[بررسی حکم وجوب یا عدم وجوب اطاعت از والدین 1](#_Toc103549190)

[کلام محقق خویی در عدم وجوب اطاعت مطلق از والدین 2](#_Toc103549191)

[مویدی از روایات برای کلام محقق خویی 5](#_Toc103549192)

[قبول نظریه محقق خویی 5](#_Toc103549193)

[ذکر کلمات فقهاء در حاشیه عروه 6](#_Toc103549194)

[نوافلی که أمر به سورۀ معینه دارند 7](#_Toc103549195)

[مسئله 6: قرائت سور عزائم در نوافل 8](#_Toc103549196)

**موضوع**: قرائت سور عزائم در نوافل /قرائت /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مسئله قرائت سورۀ در نوافلی که واجب بالعرض شده اند، مطرح گردید. در این جلسه به مناسبت واجب بالعرض شدن برخی از نوافل، به مسئله وجوب یا عدم وجوب اطاعت از والدین در مواردی که امر به نماز می کنند پرداخته می شود، سپس مسئله 6 مبنی بر جواز قرائت سور عزائم در نوافل مطرح می گردد.

## بررسی مثال أمر والدین به نماز در بحث نوافل واجب بالعرض

محقق حکیم در مستمسک برای نافله واجب شده بالعرض غیر از مثال نذر، مثال به امر والد یا والده زده اند[[1]](#footnote-1). به مناسبت این مثال که در عروه هم در بحث نماز جماعت، در بحث سفر و در بحث اعتکاف تکرار شده است، باید بحث کنیم که آیا دلیل مطلقی بر وجوب اطاعت از والدین وجود دارد یا خیر؟!

### بررسی حکم وجوب یا عدم وجوب اطاعت از والدین

به دلائلی از آیات و روایات برای وجوب اطاعت تمسک شده است:

1.آیه ﴿وَ إِنْ‌ جاهَداكَ‌ عَلى أَنْ‌ تُشْرِكَ‌ بِي ما لَيْسَ‌ لَكَ‌ بِهِ‌ عِلْمٌ‌ فَلا تُطِعْهُما[[2]](#footnote-2)﴾ مفهوم این آیه چنین است که اگر امر به حرام نکنند، حرام نیست که اطاعت از آن ها کنید؛ یعنی جزاء در این جمله «فلاتطعهما» است، مفهوم آن این است که اگر امر به حرام نکردند، حرام نیست که اطاعت کنید، نه اینکه اطاعت واجب است.

2. آیه شریفه ﴿فلاتقل لهما أف﴾ [[3]](#footnote-3)برخی گفته اند که دلالت بر حرمت ایذاء می کند؛ لذا محقق حکیم مانند محقق سیستانی فرموده اند که اگر پدر یا مادر از مخالفت امر یا نهی متأذی بشوند، اطاعت واجب است؛ زیرا ایذاء پدر و مادر حرام است، البته این قید را نیز دارند که اگر امر یا نهی ایشان از باب شفقت بر ولد باشد.

به نظر ما از این آیه نیز حرمت ایذاء پدر و مادر استفاده نمی شود؛ زیرا أف گفتن یک نوع توهین در عرف آن زمان بود. اکنون مثلا مادر اصرار می کند که ای فرزندم، وقتی بیرون می روید ماسک بزنید و مواظب سلامتی باش. فرزند هم می گوید اوه چقدر تکرار می کنید مادر، در عرف ما این صدق توهین نمی کند. در آن زمان أف گفتن توهین عرفی بود؛ مثلا بدین معنا بود که «برو دنبال کارت» از این رو اطلاق نسبت به جایی که عرف احساس توهین نکند ندارد. از این آیه استفاده نمی شود که اگر پدر یا مادر گفت که فرزندم همسرت شما را اذیت می کند طلاق بده، اطاعت از آن ها واجب است چون اگر اطاعت نشود متأذی می شوند. از این آیه این مطلب را نمی توان استفاده کرد.

3. روایتی در مقام است که برخی بدان استدلال کرده اند:

«وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ أَحْمَدَ عَنِ‌ اِبْنِ‌ مَحْبُوبٍ‌ عَنْ‌ خَالِدِ بْنِ‌ نَافِعٍ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ مَرْوَانَ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ : أَنَّ‌ رَجُلاً أَتَى النَّبِيَّ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ فَقَالَ‌ أَوْصِنِي قَالَ‌ لا تُشْرِكْ‌ بِاللّهِ‌ شَيْئاً وَ إِنْ‌ أُحْرِقْتَ‌ بِالنَّارِ وَ عُذِّبْتَ‌ إِلاَّ وَ قَلْبُكَ‌ مُطْمَئِنٌّ‌ بِالْإِيمَانِ‌ وَ وَالِدَيْكَ‌ فَأَطِعْهُمَا وَ بَرَّهُمَا حَيَّيْنِ‌ كَانَا أَوْ مَيِّتَيْنِ‌ وَ إِنْ‌ أَمَرَاكَ‌ أَنْ‌ تَخْرُجَ‌ مِنْ‌ أَهْلِكَ‌ وَ مَالِكَ‌ فَافْعَلْ‌ فَإِنَّ‌ ذَلِكَ‌ مِنَ‌ الْإِيمَانِ‌»[[4]](#footnote-4).

نه خالد بن نافع و نه محمد بن مروان توثیق ندارند.

### کلام محقق خویی در عدم وجوب اطاعت مطلق از والدین

محقق خویی فرموده است که قطعا حکم مذکور در این روایت اخلاقی است و قابل التزام نیست که بگوییم اطاعت از امر پدر مبنی بر طلاق دادن همسر یا صدقه دادن مال، واجب است. این مطلب را ایشان در موارد متعددی بیان فرموده اند؛ از جمله در موسوعه[[5]](#footnote-5) در ذیل این عبارت عروه که فرموده است: «بل لا يبعد وجوب الجماعۀ بأمر أحد الوالدين»[[6]](#footnote-6) همچنین در مسائل اعتکاف که صاحب عروه می فرماید: شرط اعتکاف این است که ایذاء پدر و مادر صورت نگیرد و اگر ایذاء شوند اعتکاف جایز نیست، محقق خویی حرف آخر خود را زده و فرموده است: حتی اگر پدر و مادر ایذاء شوند، دلیلی برحرمت آن نیست[[7]](#footnote-7). توضیح اینکه ایذاء گاهی نسبت به هرمومنی حرام است؛ مثل اینکه انسان شخصی را با توهین به وی یا اعتداء به حق وی ایذاء کند. اما ایذاء در این مواردی که انسان کاری برای خودش انجام می دهد، لکن دیگری ایذاء می شود، در غیر والدین قطعا حرام نیست، مثل اینکه شما روبروی مغازه ای جنس مرغوب تر از آن را در مغازه ریخته اید و می فروشید، او ایذاء می شود ولی دلیلی بر حرمت این ایذاء نیست. یا مثلا وقتی خانه تان را تعمیر می کنید و خانه تمیزی می سازید، همسایه تان یا به خاطر حسد یا به خاطر حس رقابت یا به خاطر اینکه خانه وی کم ارزش می شود، ایذاء می شود، این ها قطعا حرام نیست و جایز است. فرض این است که قصد ما نیز ایذاء غیر نبوده است. شخصی مثلا می گوید که من درس می خوانم و دوستم از درس خواندن ما ایذاء می شود و می گوید تا زمانی که شما نبودید ما نفر اول کلاس بودیم. حال استاد به شما بیشتر توجه می کند و من شب ها خواب ندارم، دلیلی بر حرمت این ایذاء نیست. سپس محقق خویی فرموده است: همین ایذایی که نسبت به دیگران می گوییم حرام نیست، به نظر ما راجع به والدین نیز حرام نیست. مثلا شما می خواهید دخترعموی خود را برای ازدواج انتخاب کنید در حالی که مادر شما با فامیل های پدر شما مشکل داشت، گاهی نیز حتی از باب شفقت بر شما است، دلیلی نداریم که ازدواج با این دختر عمو حرام باشد. قسمتی از عبارت محقق خویی چنین است:

«و هل الحال كذلك بالإضافة إلى الوالدين أيضاً، كما لو أراد الولد أن يتزوّج بامرأة و لكن الاُمّ‌ تتأذّى لعدم تلاؤم أخلاقها معها خصوصاً أو عموماً، أو أنّه أراد أن يتصدّى لتحصيل العلوم الدينيّة و الأب يتأذّى لرغبته في تحصيل العلوم الحديثة كما يتّفق ذلك في هذه الأزمنة كثيراً، فهل يحرم مثل هذا الإيذاء؟ الظاهر العدم كما في غير الوالدين حسبما عرفت، لعدم الدليل على ذلك بوجه، و إنّما الواجب المعاشرة الحسنة و المصاحبة بالمعروف على ما نطقت به الآية الكريمة و غيرها، مثل: أن لا يجادل معهما في القول و لا يقول لهما: أُفّ‌،..»[[8]](#footnote-8)

پسر می خواهد طلبه بشود، پدر می گوید که به خاطر خود شما می گویم که یک عمر سختی نکش، سرزنش هم می شوی، دانشگاه برو، پسر می گوید می خواهم طلبه شوم، پدر می گوید که من ناراحت می شوم و تحمل نمی کنم، محقق خویی می فرماید دلیلی بر حرمت این کار نداریم. آنچه واجب است مصاحبت به معروف با والدین است: «و صاحبهما فی الدنیا معروفا» یعنی عرفا بگویند که این شخص رفتار خوب با والدین دارد. این مقدار واجب است، دلیل نمی شود که در شئون خودش، نظر خود را اعمال نکند و تابع نظر والدین باشد. ایشان نتیجه گرفته است که مانعی از اعتکاف در صورت مترتب شدن ایذاء بر والدین نیست، حتی اگر امر آن ها به داعی شفقت باشد و این کلام رد نظر محقق حکیم و محقق سیستانی نیز می شود. مقدار واجب این است که مصاحبت به معروف رعایت شود و «بالوالدین احسانا» بدین معنا است که به نظر عرف محسن تلقی شویم، نه اینکه جمیع مراتب احسان رعایت شود؛ زیرا فوق هر احسانی احسان دیگری نهفته است. مقدار واجب این است که بگویند رفتار وی با والدین نیکو است. «قل لهما قولا کریما» نیز بدین معنا است که به آن ها گفته نشود که «لاتنهرهما» «بروید دنبال کارتان» معنایش این نیست که اگر پدر گفت طلبه نشوید، شما حتما لازم باشد که تبعیت کنید. وقتی شما می بینید که طلبه شدن مصالحی دارد می توانید این راه را انتخاب کنید. این فرمایش محقق خویی انصافا فرمایش متینی است، البته نه اینکه بگوییم والدین با مردم دیگر فرق نمی کنند و هرجا ایذاء دیگران حرام بود ایذاء ایشان نیز به همان مقدار حرام باشد. ما در رابطه با دیگران واجب نیست معاشرت بالمعروف کنیم، آنچه در معاشرت دیگران حرام است هتک آن ها است ولی در مورد والدین باید عرفا صدق کند که رفتار نیک داشته باشیم، حتی از صله رحم نیز بالاتر است.

**سوال:** اگر مثلا والدین امر می کنند که فرزند برود و نان بخرد حکم چیست؟

**جواب:** آن مورد را حتی آیت الله سیستانی نیز شرعا واجب نمی داند. مثلا فرزند خودش رژیم دارد و نمی خواهد چیزی بخورد. آیا واجب است که نان بخرد؟ می تواند بگوید ببخشید احترام شما لازم است ولی من فردا امتحان دارم یا خوابم می آید و اجازه بدهید بخوابم. پدر نیز محکم در را می بندد و می گوید خدا فرزندی شبیه خودت نصیب شما کند. حرام نیست. البته قبول داریم که گاهی تکرار نافرمانی ها به خاطر عذر هایی که عرفا غیر موجه هستند، باعث می شود که مصاحبت به معروف صدق نکند و از این باب اشکال دارد. ولی وقتی شما ساعت 8 صبح درس گذاشته اید و مادر می گوید درس را تعطیل کنید، وقتی هم گوش ندهید ناراحت می شود، تعطیل نکردن شما حرام نیست. بلی، گاهی عامل کمی باعث می شود که تکرار مخالفت منافی با مصاحبت با معروف باشد، گاهی نیز عامل کیفی است مثل اینکه شما اگر نروید نان بخرید، پدر خیلی خجالت می کشد. بنابراین آنچه معیار است معاشرت بالمعروف است.

#### مویدی از روایات برای کلام محقق خویی

روایتی از عمر بن یزید چنین نقل شده است:

« محَمَّدُ بْنُ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ الْحُسَيْنِ‌ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنْ‌ عُمَرَ بْنِ‌ يَزِيدَ : أَنَّهُ‌ سَأَلَ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنْ‌ إِمَامٍ‌ لاَ بَأْسَ‌ بِهِ‌ فِي جَمِيعِ‌ أُمُورِهِ‌ عَارِف غَيْرَ أَنَّهُ‌ يُسْمِعُ‌ أَبَوَيْهِ‌ الْكَلاَمَ‌ الْغَلِيظَ الَّذِي يَغِيظُهُمَا أَقْرَأُ خَلْفَهُ‌ قَالَ‌ لاَ، تَقْرَأُ خَلْفَهُ‌ مَا لَمْ‌ يَكُنْ‌ عَاقّاً قَاطِعاً.»[[9]](#footnote-9)

عمر بن یزید سوال می کند که کسی همه کارهایش درست است لکن وقتی با والدین خود صحبت می کند غلیظ صحبت می کند، آیا به او اقتداء کنم یا خیر؟ أقرء خلفه یعنی اکتفاء به حمد و سورۀ او نکنم و صوری به او اقتداء کنم، امام علیه السلام فرمودند: پشت سر وی نماز بخوان و حمد و سورۀ را برای خود نخوان و به او اقتداء کن تا زمانی که وی عاق والدین نشده باشد. أقرء خلفه یک اصطلاحی در روایات است که به معنای اقتداء نکردن است. اگر عاق والدین شده باشد بحث دیگری است. اگر عاق نشده باشد، صرف اینکه در بحث سیاسی و اجتماعی بر آن ها کمی تند شود، موجب فسق نشود. مگر اینکه منافات با حسن معاشرت داشته باشد. عقوق یعنی خروج از حسن معاشرت، عبد عاق یعنی متمرد، متمرد در مقابل مطیع نیست، ممکن است کسی مطیع نباشد ولی متمرد نیز نباشد. متمرد یعنی کسی که رعایت زی فرزندی را نمی کند؛ یعنی معاشرت به معروف نمی کند.

#### قبول نظریه محقق خویی

به نظر ما این کلام محقق خویی متین است. البته این بحث بحث فقهی است و از نظر اخلاقی شکی نیست که انسان باید تا می تواند به پدر و مادر احسان کند و مستحب است. اما اینکه از نظر فقهی امتثال امر والدین مطلقا یا در جایی که متأذی می شوند، واجب باشد، محل خدشه است. مثلا اگر والدین مخالف طلبه شدن فرزندان باشند، نمی توان با این وجه گفت که پس به کلام والدین خود گوش دهند و طلبه نشوند.

ظاهرا محقق حکیم و محقق سیستانی از آیه «لاتقل لهما أف» استفاده کرده اند که اگر متأذی شوند و امرشان نیز از روی شفقت باشد حرام است. در حالی که اگر قرار است به این آیه استدلال کنند نباید بین اینکه امر آن ها از روی شفقت باشد یا نباشد، فرق بگذارند. احتمال دارد که بخواهند بفرمایند اگر امر و نهی از روی شفقت باشد و والدین متأذی شوند، مخالف با معاشرت به معروف خواهد شد که ما این مطلب را قبول نداریم و کلام محقق خویی را در این زمینه تمام می دانیم.

#### ذکر کلمات فقهاء در حاشیه عروه

حال به برخی از حواشی عروه اشاره می کنیم که استیحاش آقایان در این زمینه کمتر شود. در مسئله اطاعت والدین صاحب عروه فرموده اند «لایبعد وجوبها بأمر الوالدین»[[10]](#footnote-10) شیخ عبدالکریم حائری تعلیقه زده اند «اذا استلزم مخالفته العقوق»[[11]](#footnote-11) محقق حکیم فرموده اند که در وجوب اطاعت امر والدین نظر است، «الا أن یکون شفقۀ علیه»[[12]](#footnote-12) امام نیز فرموده اند که وجوب اطاعۀ الوالدین فی مثله در بحث نماز جماعت محل تأمل، ظاهرا ایشان نیز احتیاط واجب در وجوب اطاعت والدین مطلقا دارند؛ یعنی مثلا اگر پدر بگوید که اگر شما نماز جماعت نروید ناراحت می شوم، امام می فرماید وجوب اطاعت ایشان در این امر محل تأمل است و احتیاط واجب است. محقق خویی نیز احتیاط واجب در وجوب اطاعت والدین کرده اند ولی از نظر استدلالی با مسئله قوی برخورد کرده است. قابل التزام نیست که اگر پدر در صورت تبلیغ رفتن طلبه متأذی شود و بگوید تو داری می روی می میرم و زنده می شوم، این سفر تبلیغی حرام باشد.

**سوال:** اگر مادر بگوید که به خاطر این کار شما محزون می شوم. چه باید کرد؟

**جواب:** صرف محزون شدن موجب حرمت نمی شود. حتی کسانی مثل محقق سیستانی نیز می فرمایند که محزون شدن موجب حرمت نمی شود؛ حضرت یعقوب نیز فرمود: ﴿ إنه لیحزننی أن تذهبوا به﴾[[13]](#footnote-13)، ولی خود ایشان اذن داد که حضرت یوسف را ببرند. حال اگر پدر گفت شما می خواهی به سفر بروید بروید، ولی دلم می گیرد و محزون می شوم، قطعا این سفر حرام نیست. کسانی که حرمت را مطرح می کنند مسئله متأذی شدن از مخالفت امر و نهی را مطرح می کنند که ما همین ملاک را نیز عرض کردیم قبول نکردیم. بلی، عقوق والدین از مسلمات و ضروریات فقه است که حرام است. در روایات آمده است که من الکبائر عقوق الوالدین، از گناهان کبیره شمرده شده است. در این روایتی که مطرح شد با اینکه شخص مذکور کارش این بوده است که خیلی اوقات با والدین خود با غلظت صحبت می کرده است، حضرت فرمودند اقتداء کردن به او اشکالی ندارد تا وقتی که عاق نشده باشد.

سوال می شود که امکان دارد قید وارد شده در سوال راوی قید احترازی باشد.

جواب این است که احترازی بودن قید، معلوم نیست و لاأقل این است که اجمال دارد. البته سند روایت معتبر است؛ زیرا صدوق از عمر بن یزید نقل کرده و سند مشیخه صدوق به عمر بن یزید تمام است.

## نوافلی که أمر به سورۀ معینه دارند

مرحوم سید در ادامه فرموده است:

« نعم النوافل التي تستحب بالسور المعينة يعتبر في كونها تلك النافلة قراءة تلك السورة لكن في الغالب يكون تعيين السور من باب المستحب على وجه تعدد المطلوب لا التقييد»[[14]](#footnote-14)

برخی از نوافل هستند که در آن ها امر به خواندن سور معینه شده ایم. معلوم است که اگر این امر به نحو وحدت مطلوب باشد، اگر آن سورۀ معینه خوانده نشود، امر به نافله امتثال نشده است، ولی توجه داشته باشیم که غالبا در مستحبات این تعیین سور به نحو تعدد مطلوب است. حال در نماز جعفر طیار چهار سوره است که می گویند این ها خوانده شوند، غالبا به نحو تعدد مطلوب است یعنی اگر سورۀ دیگری نیز خوانده شود یا حتی اگر خوانده نشود اشکالی ندارد ولی کمالش این است که این سور خوانده شود.

اشکالی که به سید مطرح می شود این است که این تعدد مطلوب از کجا کشف می شود؟ بلی، یک وقت است که ما دو خطاب داریم: یک خطاب می گوید که صل صلاۀ الجعفر رکعتین رکعتین و می گوید إقرأ فاتحۀ الکتاب. مطلق است. یک خطاب دیگری می گوید که فاتحۀ الکتاب را همراه با فلان سورۀ ها بخوانید. در اینجا ما در اصول نیز گفته ایم که وجهی ندارد که مطلق بر مقید حمل شود؛ زیرا یک روایت به صورت مطلق گفته است و امر دیگری به نحو امر افضل آمده است. اما یک وقت است که یک خطاب امر بیشتر نیست؛ مثلا یک حدیث آمده است که نماز جعفر بخوانید به صورتی که بعد از حمد این سورۀ ها را بخوانید. این خطاب را چگونه حمل بر تعدد مطلوب کنیم؟ بلی، یک وقت مناسبات حکم و موضوع ظهور به خطاب می دهد که این سورۀ معینه خصوصیتی ندارد، اما استحسان نمی توان کرد. نمی توان گفت که معمولا اینطور است که خصوصیتی ندارد و با هر سورۀ ای خوانده شود درست است. این برداشت ها وجهی ندارد. حمل این نوع خطابات بر تعدد مطلوب وجهی ندارد؛ بنابراین کلام سید یزدی مطلقا قابل قبول نیست.

# مسئله 6: قرائت سور عزائم در نوافل

مرحوم سید می فرمایند در نماز های نافله می توان سور عزائم را خواند و همانجا سجده می شود، سپس نماز را ادامه می دهد:

« يجوز قراءة العزائم في النوافل و إن وجبت بالعارض فيسجد بعد قراءة آيتها و هو في الصلاة ثمَّ‌ يتمه»[[15]](#footnote-15)

محقق نایینی در اینجا حاشیه زده است که اگر این نافله، بالعرض واجب شده باشد این حکم جاری نیست. طبق نظر ایشان در نوافلی که واجب بالعرض شده باشد، قرائت سور عزائم جایز نیست. اشکال این فرمایش در مسئله قبل مطرح شد و ما دلیلی بر نهی از قرائت سور عزائم در غیر نماز فریضه نداریم. هر چه دلیل نهی آمده بود، در مورد فریضه بود. آن روایتی نیز که اجازه خواندن عزائم در تطوع را داده بود، در مقابل گفته بود که لاتقرأ فی الفریضۀ، نمازی که واجب بالعرض شده باشد، نماز تطوع نیست ولی نماز فریضه نیز نیست، در حالی که ما تنها نهی از قرائت سور عزائم در نماز های فریضه را داریم و در غیر آن دلیلی بر حرمت وجود ندارد.

1. [مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج6، ص172.](http://lib.eshia.ir/10152/6/172/الوالد) « أو أمر الوالد أو السيد أو نحو ذلك...». [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره عنكبوت، آيه 8. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره اسراء، آيه 23. [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج21، ص489،](http://lib.eshia.ir/11025/21/489/والدیک)  [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج17، ص26.](http://lib.eshia.ir/71334/17/26/الوالدین) [↑](#footnote-ref-5)
6. . العروة الوثقی (سیستانی)، جلد: ۲، صفحه: ۲۴۴. [↑](#footnote-ref-6)
7. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج22، ص377.](http://lib.eshia.ir/71334/22/377/الوالدین) [↑](#footnote-ref-7)
8. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج22، ص378.](http://lib.eshia.ir/71334/22/378/خصوصا) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص313،](http://lib.eshia.ir/11025/8/313/اموره)  [↑](#footnote-ref-9)
10. . العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)، جلد: ۳، صفحه: ۱۱۵. [↑](#footnote-ref-10)
11. .همان. [↑](#footnote-ref-11)
12. .همان. [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره یوسف، آيه 13. [↑](#footnote-ref-13)
14. . العروۀ الوثقی، أعلام العصر، ج1 ص 464. [↑](#footnote-ref-14)
15. . العروۀ الوثقی، أعلام العصر، ج1 ص 464. [↑](#footnote-ref-15)